**٩٥ - ادعيّه و خيرات و مبرّات و شفاعت**

ازحضرت بهاءالله در لوح شهير پارسی است. قوله الابهی: "براستی ميگويم روان از کردار پسنديده خوشنود ميشود و داد و دهش در راه خدا باو ميرسد."

و از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است. قوله العزيز: "چون روح انسانی بعد از خلع اين قالب عنصری حيات جاودانی دارد البتّه شيئی موجود قابل ترقّی است لهذا از برای انسان بعد از وفات طلب ترقّی و طلب عفو و طلب عنايت و طلب مبرّات و طلب فيوضات جائز است چه که وجود قابل ترقّی است اين است که در مناجات‏های جمال مبارک بجهت آنانکه عروج کرده‏اند طلب عفو و غفران شده‏است و از اين گذشته همچنانکه خلق در اينعالم محتاج بحقّ هستند در آنعالم نيز محتاج هستند هميشه خلق محتاج است حقّ غنی مطلق چه در اين عالم و چه در آنعالم و غنای آنعالم تقرّب بحقّ است در اينصورت يقين است که مقرّبان درگاه الهی را شفائت جائز و اين شفاعت مقبول حقّ امّا شفاعت در آن عالم مشابهت بشفاعت در اينعالم را ندارد کيفيّتی ديگر است و حقيقتی ديگر که در عبارت نگنجد و اگر انسان توانگر در وقت وفات باعانت فقراء و ضعفا وصيّت کند و مبلغی از ثروت خويش را انفاق ايشان نمايد ممکن است اين عمل سبب عفو و غفران و ترقّی در ملکوت رحمن گردد و همچنين پدر و مادر نهايت تعب و مشقّت بجهت اولاد کشند و اکثر چون بسن رشد رسند پدر و مادر بجهان ديگر شتابند نادراً واقع که پدر و مادر در مقابل مشقّات و زحمات خويش در دنيا مکافات از اولاد بينند پس بايد اولاد در مقابل مشقّات و زحمات پدر و مادر خيرات و مبرّات نمايند و طلب عفو و غفران کنند ... حتّی کسانيکه در گناه و عدم ايمان مرده‏اند ممکن است که تغيير نمايند يعنی مظهر غفران شوند و اين بفضل الهی است نه بعدل ... چنانچه ما در اينجا قوّة داريم که در حقّ اين نفوس دعا نمائيم همين طور در عالم ديگر هم که عالم ملکوت باشد همين قوّة را دارا خواهيم بود آيا جميع خلق آنعالم مخلوق خدا نيستتند پس در آن عالم هم ميتوانند ترقّی کنند همچنانکه در اينجا ميتوانند بتضرّع اقتباس انوار نمايند در آنجا هم ميتوانند طلب غفران نمايند بتضرّع و رجا اقتباس انوار کنند. پس چون نفوس در اينعالم بواسطه تضرّع و ابتهال يا دعای مقدّسين تحصيل ترقّی نمايند بهمچنين بعد از فوت نيز بواسطه دعا و رجای خود ميتوانند ترقّی کنند علی‏الخصوص چون مظهر شفاعت مظاهر مقدّسه گردند."

و در خطابی از آنحضرت است. قوله العزيز: "در اين دور رحمانی تضرّع و زاری و شفاعت بدرگاه احديّت از برای جميع نوع انسانی جائز و مثمر ثمر زيرا ايندور جمال مبارک است و رحمت برای جميع وجود از غيب و شهود."

و قوله الجليل: "امّا خيرات و مبرّات البتّه از برای اموات سبب تهوين سيئات و تزئيد حسنات گردد زيرا نفوس از آن خيرات مستفيذ شوند و آن مانند استغفار است و چون ثمر استغفار مسلّم خيرات و مبرّات احسن و اعظم."

و قوله الکريم: "ترقّی روح انسانی بعد از قطع تعلّق از جسد ترابی در عالم الهی يا بصرف فضل و موهبت ربّانی و يا بطلب مغفرت و ادعيه خيريّه سائر نفوس انسانی و يا بسبب خيرات و مبرّات عظيمه که بنام او مجری گردد حاصل شود."

و نيز از آنحضرت است . قوله العزيز: "امّا شفاعت حضرت رسول مخصوص بامّت رسول بود."

و از حضرت بهاءالله است عزّ بيانه: "هو السامع المجيب قل اشهد يا الهی بما شهد به انبيائک و اصفيائک و بما انزلته فی کتبک و صحفک اسألک باسرار کتابک و بالذی فتحت به ابواب العلوم علی خلقک و رفعت راية التوحيد بين عبادک بان ترزقنی شفاعة سيد الرسل و هادی السبل."

و قوله جلّ ثنائه: "اسئلک يا فالق الاصباح و مسخر الرياح بانبيائک و رسلک و اصفيائک و اوليائک الذين جعلتهم اعلام هدايتک بين خلقک و رايات نصرتک فی بلادک و بالنور الذی اشرق من افق الحجاز و تنورت به يثرب و البطحاء و ما فی ناسوت الانشاء بان تؤيد عبادک."

**\*\*\*\*\*حاشیة\*\*\*\*\***

ابو حنيفة بمعدودی از آيات و احاديث استشهاد کرد که حضرت نبوی تواند شفاعت از گناهان کبيره امّت خود کند و مقبول بارگاه کبريا گردد ولی معتزله گفتند که شفاعت نبی تأثيری در اسقاط عذاب نکند و بآياتی نيز استدلال نمودند

در قران است قوله تعالی: کلّ نفس بما کسبت رهينة

و قوله : ليس للانسان الا ما سعی و ان سعيه سوف يری

و قوله: ما لهم ما شافعين فما تنفعهم شفاعة الشافعين

و قوله: يا نوح انه ليس من اهلک انه عمل غير صالح